

فصل اول و دوم درس مدیریت مالی

کاردانی حسابداری

دانشگاه فنی و حرفه ای دخترانه زینب کبری (س)

مدرس: زهرا گلچین

فصل اول:

کلیات و تعاریف مدیریت مالی

هدف مدیریت مالی:

هدف اصلی مدیریت مالی، بکارگیری مهارتهایی است که با استفاده از آن مهارتها هدف اصلی بنگاههای اقتصادی، که همانا حداکثر کردن ثروت صاحبان بنگاه است، محقق گردد.

هدف اصلی بنگاههای اقتصادی:

- برخی افراد هدف اصلی بنگاههای اقتصادی را حداکثر کردن سود می دانند. اما این دیدگاه به دلایل زیر اشکال دارد:
- کلمه سود دارای تعاریف مختلفی است.
- سودی که در حسابداری تعریف می شود، ارزش زمانی پول را در نظر نمی گیرد.
- کیفیت فعالیت را در نظر نمی گیرد و همچنین سایر اهداف واحدهای تجاری از جمله اهداف اجتماعی را در بر نمی گیرد.

هدف اصلی یک واحد تجاری را می توان حد اکثر کردن ارزش بنگاه در بلندمدت دانست. این هدف را می توان به شکل حداکثر کردن ثروت بیان نمود. با این دیدگاه، بجای تمرکز مستقیم بر روی سود، ارزش جاری بنگاه مورد تاکید قرار می گیرد. طبیعتاً بین ارزش فعلی بنگاه و ارزش آن در بلند مدت ارتباط وجود دارد. اگر پیش بینی شود که ارزش آینده بنگاه بالاست، ارزش جاری آن نیز بالا خواهد بود زیرا در مدیریت مالی ارزش هر دارائی سرمایه ای برابر ارزش فعلی وجوهی است که آن دارائی نصیب صاحبش خواهد کرد.

بنا بر این هدف اصلی مدیریت مالی حداکثر کردن ثروت صاحبان سهام است.

➤ **تعریف مدیریت مالی:**

مدیریت مالی عبارت است از : مدیریت بر منابع و مصارف سرمایه به گونه ای که ثروت سهامداران به حداکثر برسد.

تعریف سرمایه: سرمایه عبارت است تمام منابع مالی که مورد مصرف شرکت قرار می گیرند.

منابع سرمایه اقلامی هستند که در طرف چپ ترازنامه (با عنوان بدهی و حقوق صاحبان سهام) نوشته می شود.

مصارف سرمایه اقلامی هستند که در طرف راست ترازنامه نوشته می شوند. مانند حسابهای دریافتی، موجودی کالا، دارایی های ثابت ...

وظایف مدیر مالی:

1. تامین مالی

2. سرمایه گذاری

از آنجا که منابع سرمایه در بحث تامین مالی مطرح می گردد، مسائل مربوط به این بحث حول سه محور نوع، مقدار و ترکیب منابع سرمایه می چرخد. بنابراین مدیریت مالی عبارت است از وظایف و مسؤلیتهایی که در امور یاد شده بر عهده مدیریت شرکت است

وظایف مدیر مالی از بعد نقدینگی شامل موارد زیر است:

- ۱- پیش بینی جریان نقدی
- ۲- تامین منابع مالی
- ۳- اداره جریان منابع مالی داخلی.

وظایف مدیر مالی از بعد سودآوری شامل موارد زیر است:

- ۱- کنترل هزینه
- ۲- قیمت گذاری
- ۳- پیش بینی سود
- ۴- اندازه گیری بازده مورد نظر.

وظایف مدیر مالی از دیدگاه آنچه که باید اداره گردد شامل موارد زیر است:

- ۱- مدیریت دارائیهها
- ۲- مدیریت منابع مالی

فصل دوم:

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی

انواع صورتهای مالی

بیانگر وضعیت مالی یک شرکت در یک مقطع زمانی معین است،

ترازنامه

بیانگر عملکرد مالی یک شرکت در طی یک دوره مالی معین است

صورت حساب
سود زیان

کلیه اقلامی که باعث تغییر در حقوق صاحبان سهام میگردند لیکن در صورت حساب سود و زیان جاری منعکس نمیگردند، در صورت سود و زیان جامع انعکاس می یابد

صورت سود و
زیان جامع

ترازنامه

تراز نامه

در تاریخ ۳۰ اسفند ماه ۱۳۸۳

بدهیها و حقوق صاحبان سهام		۱۳۸۳/۱۲/۳۰	داراییها
	بدهیهای جاری :		دارایی های جاری :
۶/۳۲۱	حسابها و اسناد پرداختی تجاری	۵۴.۸۹۳	موجودی نقد
۶۲/۲۸۶	سایر حسابها و اسناد پرداختی	۸۶.۳۳۴	سرمایه گذاریهای کوتاه مدت
۲۵/۶۰۶	پیش دریافتها	-	حسابها و اسناد دریافتی تجاری
۲۷/۴۱۴	ذخیره مالیات	۹.۵۰۰	تجاری
۲۸۲/۴۵۱	سود سهام پیشنهادی و پرداختی	۴۲۲	سایر حسابها و اسناد دریافتی
۲۲/۵۰۰	تسهیلات مالی دریافتی	۶۳.۵۲۵	موجودی مواد و کالا
۴۲۸/۵۷۸	جمع بدهیهای جاری	۸۹۲۱	سفرشات و پیش پرداختها
	بدهیهای غیر جاری :	۲۲۳.۵۸۵	جمع دارایی های جاری
۱۷/۴۷۷	ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان		دارایی های غیر جاری :
۱۷/۴۷۷	جمع بدهیهای غیر جاری	۳۹۹.۷۹۲	دارایی های ثابت مشهود
	جمع بدهیها	۱۱.۸۲۶	دارایی های نامشهود
۴۴۶/۰۵۵		۱۶.۲۸۸	سرمایه گذاریهای بلند مدت
	حقوق صاحبان سهام :	۱.۶۹۴	سایر دارایی ها
۵۰/۰۰۰	سرمایه (۵۰.۰۰۰.۰۰۰ سهم هزار ریالی که تماماً پرداخت شده است)		جمع دارایی های غیر جاری
۵/۰۰۰	اندرخته قانونی		
۲۰/۰۰۰	سایر اندرختهها		
۳۲/۱۳۰	سود انباشته		
۱۰۷/۱۳۰	جمع حقوق صاحبان سهام		
۵۵۳/۱۸۵	جمع بدهیها و حقوق صاحبان سهام	۵۵۳.۱۸۵	جمع دارایی ها

صورت حساب سود (زیان)

صورت سود و زیان

برای سال مالی منتهی به ۳۰ اسفند ماه ۱۳۸۳

ریال	ریال	
۴۱۷.۹۶۸		فروش خالص
		کسر می شود:
(۲۱۵.۲۷۵)		قیمت تمام شده کالای فروش رفته
<u>۲۰۲.۶۹۳</u>		سود نا خالص
		کسر می شود:
	(۷.۵۶۲)	هزینه های توزیع و فروش
	(۱۹.۶۵۰)	هزینه های عمومی و اداری
	<u>(۴۰.۲۵)</u>	خالص سایر درآمدها و هزینه های عملیاتی
(۳۱.۲۳۷)		
<u>۱۷۱.۴۵۶</u>		
		سود عملیاتی
		اضافه کسر می شود:
	(۱۱.۴۴۱)	هزینه های مالی
	<u>۱۴۴.۰۳۰</u>	خالص سایر درآمدها و هزینه های غیر عملیاتی
۱۳۲.۵۱۹		
<u>۳۰۴.۰۴۵</u>		
		سود قبل از کسر مالیات
(۴.۴۹۰)		مالیات
<u><u>۲۹۹.۵۵۵</u></u>		سود خالص

**در صورت حساب سود و زیان حساب سه سود در مقاطع مختلف گزارش
می شود که شامل:**

بهای تمام شده کالای فروش رفته - فروش = سود ناویژه

هزینه عملیاتی - سود ناویژه = سود عملیاتی

سود ویژه (خالص)؛ از سود عملیاتی ابتدا هزینه های مالی کسر شده و سپس سایر درآمدها و هزینه های غیر عملیاتی به آن اضافه شده تا سود قبل از کسر مالیات به دست آید از عدد بدست آمده مالیات کسر میگردد تا سود ویژه (خالص) بدست آید.

سایر صورتهای مالی

اطلاعاتی فراتر از ترازنامه و صورت حساب سود و زیان ارائه میکند. این گزارش بیانگر ارتباط بین سودآوری واحد تجاری و توان آن واحد در ایجاد وجوه نقد میباشد

— صورت جریان
وجوه نقد

این گزارش نشان میدهد: سود (زیان) انباشته ابتدای دوره ، بعلاوه سود پس از مالیات سال جاری که جمعاً سود قابل تخصیص را تشکیل میدهد، چه میزان آن به اندوخته ها تخصیص یافته ، چقدر آن تقسیم شده و در نهایت چه مقدار به عنوان سود (زیان) انباشته باقی مانده است

گردش سود (زیان)
انباشته

صورت گردش حساب سود انباشته

گردش حساب سود انباشته

سال ۱۳۸۳

ریال	ریال	
۲۹۹,۵۵۵		سود خالص
	۱۲۵,۵۵۷	سود انباشته در ابتدای سال
	(۱۱۷,۹۸۲)	تعدیلات سنواتی
۷,۵۷۵		سود انباشته در ابتدای سال - تعدیل شده
۳۰۷,۱۳۰		سود قابل تخصیص:
		تخصیص سود:
-		اندوخته قانونی
(۲۷۵,۰۰۰)		سود سهام پیشنهادی / مصوب
-		پاداش هیأت مدیره
۳۲,۱۳۰		سود انباشته در پایان سال

نکته

**مهمترین محدودیت صورتهای مالی این
است که بر اساس اصل بهای تمام شده
تاریخی تهیه میشوند و نرخ تورم را نادیده
میگیرند**

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی

چهار گروه نسبتهای مالی

گروه اول: نسبتهای نقدینگی

گروه دوم: نسبتهای فعالیت

گروه سوم: نسبتهای بدهی

گروه چهارم: نسبتهای سودآوری

نسبتهای نقدینگی

$$\text{نسبت جاری} = \frac{\text{دارایی جاری}}{\text{بدهی جاری}}$$

هرچه این نسبت بیشتر باشد بیانگر وضعیت مطلوب نقدینگی است؛ اما اگر بیش از اندازه بزرگ شود بیانگر عدم بکارگیری مناسب دارائیهای نیز میباشد

$$\text{نسبت آنی} = \frac{\text{موجودی کالا - دارایی جاری}}{\text{بدهی جاری}}$$

نسبتهای فعالیت (کارایی)

$$\text{گردش موجودی کالا} = \frac{\text{بهای تمام شده کالای فروش رفته}}{\text{موجودی کالا}}$$

این نسبت نشان میدهد در طی سال چند بار خریده ایم و فروخته ایم و یا تولید کرده ایم و فروخته ایم. هر چه این نسبت بیشتر باشد بیانگر فعالیت بیشتر واحد تجاری است.

$$\text{گردش دارایی} = \frac{\text{فروش}}{\text{دارایی}}$$

هرچه این نسبت افزایش پیدا کند؛ بیانگر فعالیت بیشتر واحد تجاری است

نسبتهای فعالیت (کارایی)

$$\text{دوره وصول مطالبات} = \frac{\text{حسابهای دریافتنی}}{\text{متوسط فروش نسبه روزانه}}$$

این نسبت بیانگر تعداد روزهایی است که به طور متوسط شرکت بدهی خود را وصول کرده است

هرچه دوره وصول مطالبات افزایش یابد بیانگر ضعف در فعالیت است

نسبتهای بدهی (درجه اهرم)

$$\text{نسبت بدهی} = \frac{\text{کل بدهی}}{\text{کل دارایی}}$$

اگر نسبت بدهی ۴۵٪ باشد یعنی ۴۵ درصد دارائیهای از محل بدهیها تامین گردیده است. هرچه نسبت بدهی افزایش یابد سودآوری شرکت نیز افزایش خواهد یافت؛ مشروط بر اینکه نرخ بازده دارائیهای بیش از نرخ بهره بدهیها باشد. از سوی دیگر هرچه نسبت بدهی افزایش یابد، ریسک مالی (عدم پرداخت بدهیها و ورشکستگی شرکت) افزایش خواهد یافت

$$\text{نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام} = \frac{\text{بدهی}}{\text{حقوق صاحبان سهام}}$$

این نسبت نشان میدهد: تامین مالی بلند مدت توسط بستانکاران در مقابل صاحبان سهام چگونه است

نسبتهای بدهی (درجه اهرم)

$$\text{توان پرداخت بهره} = \frac{\text{سود قبل از بهره و مالیات}}{\text{هزینه بهره}}$$

این نسبت نشان میدهد؛ تا چه اندازه میتوان از محل سود قبل از بهره و مالیات هزینه بهره را پوشش داد. اگر این نسبت افزایش یابد نشان میدهد: توانایی شرکت در پرداخت بدهیهای خود بیشتر است

نسبتهای سودآوری

۱- نسبت سود به فروش (نسبت حاشیه سود خالص)

$$\text{نسبت سود به فروش} = \frac{\text{سود خالص (پس از مالیات)}}{\text{فروش}}$$

این نسبت نشان میدهد چند درصد از فروش را سود خالص (پس از مالیات) تشکیل میدهد. تغییرات آن تحت تأثیر سه عامل قرار میگیرد: ۱- حجم فروش ۲- سیاست قیمت گذاری ۳- ساختار هزینه ها

۲- بازده دارایی (ROA)

$$\text{نرخ بازده دارایی} = \frac{\text{سود خالص (پس از مالیات)}}{\text{کل دارایی}}$$

هرچه این نسبت افزایش یابد یعنی توانسته ایم از داراییهای بکار گرفته شده سود بیشتری ایجاد کنیم

نسبتهای سودآوری

$$\text{نرخ بازده دارایی} = \frac{\text{سود پس از کسر مالیات}}{\text{فروش}} \times \frac{\text{فروش}}{\text{کل دارایی}}$$

$$\text{گردش دارایی} \times \text{حاشیه سود} = \text{نرخ بازده دارایی}$$

۳- بازده حقوق صاحبان سهام : بازده حقوق صاحبان سهام (ROE یا «نرخ بازده ارزش ویژه» ، میزان سود خالص ایجاد شده در مقابل هریک ریال حقوق صاحبان سهام (منابعی که سهامداران در اختیار شرکت قرار داده اند) را نشان میدهد.

$$\text{بازده حقوق صاحبان سهام} = \frac{\text{سود (پس از مالیات)}}{\text{حقوق صاحبان سهام}}$$

هرچه این نسبت افزایش یابد ، میزان سودآوری سهامداران ، افزایش یافته است

نسبت های سود آوری

۴- سود هر سهم (EPS): نشان دهنده سودی است که شرکت در ازای یک سهم عادی به دست آورده است

$$\text{سود سهام ممتاز} - \text{سود بعد از کسر مالیات} = \text{سود هر سهم عادی}$$
$$\text{تعداد سهام عادی}$$

۵- سود تقسیمی هر سهم (DPS): نشان دهنده مبلغ سودی است که بابت هر سهم پرداخت میکند

$$\text{سود نقدی که به صاحبان سهام عادی پرداخت می شود} = \text{سود تقسیمی هر سهم}$$
$$\text{تعداد سهام عادی منتشره}$$

۶- نسبت سود پرداختنی (سود تقسیمی): بیان کننده سود نقدی پرداختی به سهامداران به صورت درصدی از سود

$$\text{سود تقسیمی هر سهم} = \text{درصد سود تقسیمی}$$
$$\text{سود هر سهم}$$

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی با استفاده از نمودار دوپانت

بازده حقوق صاحبان سهام را می توان

$$\text{بازده حقوق صاحبان سهام} = \frac{\text{سود (پس از مالیات)}}{\text{حقوق صاحبان سهام}}$$

با توجه به فرمول

به شرح زیر نیز محاسبه کرد:

$$\text{بازده حقوق صاحبان سهام} = \frac{\text{سود}}{\text{حقوق صاحبان سهام}} = \frac{\frac{\text{سود}}{\text{دارایی}}}{\frac{\text{حقوق صاحبان سهام}}{\text{دارایی}}} = \frac{\text{بازده دارایی}}{\text{بدهی} - \text{دارایی}}$$

$$\text{بازده حقوق صاحبان سهام} = \frac{\text{بازده دارایی}}{\text{نسبت بدهی} - ۱} \quad (۲-۳۲)$$

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی با استفاده از نمودار دوپانت

